

# موقعیت و شیوه‌های گسترش زبان فارسی در شبه قاره هند و پاکستان

دکتر علی محمد مؤذنی

(دانشگاه تهران)

به مناسبت دومین مجمع بین‌المللی استادان فارسی در تاریخ ۱۰ تا ۱۲ اسفند ۱۳۷۷ تهران

پیش از ورود به بحث لازم است که توجه شرکت‌کنندگان گرامی را به نکاتی چند جلب کنم. تشریف‌فرمایی استادان فارسی و شیفتگان فرهنگ و ادب ایران اسلامی از اقصی نقاط جهان مایه مباهات و سربلندی است که با پذیرفتن رنج سفر در دومین مجمع بین‌المللی استادان فارسی که به همت و ابتکار جمهوری اسلامی ایران برپا گردیده است شرکت فرموده‌اند. از آغاز انقلاب اسلامی ایران تاکنون با وجود دشواری‌هایی که این کشور در راه تحقق بخشیدن آرمان‌هایش داشته است هرگز از عنایت ویژه خود به حفظ و ترویج زبان فارسی در داخل و خارج از کشور نکاسته است و بر این اساس سمینارهای مختلف ملی و فراملی در حد قابل توجهی برگزار نموده و با برپایی دوره‌های متعدد بازآموزی و دانش‌افزایی برای دانشجویان و استادان فارسی در داخل و خارج از کشور اهتمام خود را به این امر مهم نشان داده است. هرچند که این مجمع و سایر همایش‌های فارسی، بدون در نظر گرفتن دستاوردهای علمی از سوی، امکان دیدارهای مستقیم و ملاقات حضوری جمعی مشتاق و هم‌هدف را فراهم می‌آورد، اما از سوی دیگر مسؤولیتی مضاعف را بر همگان لازم می‌دارد که تا در حد توان نسبت به وظایف خود که نشر و گسترش زبان فارسی بویژه در خارج از کشور است بیش از پیش کوشا باشند و بر تلاش خود در این جهت بیفزایند.

دبیرخانه انجمن بین‌المللی استادان فارسی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه مقالات و رهنمودهای استادان شرکت‌کننده در نخستین مجمع را به گونه‌ی آبرومند در حداقل زمان ممکن به چاپ رسانیده و در اختیار استادان و علاقه‌مندان و

مراکز فرهنگی و آموزشی قرار داده است که از این رو باید از دست‌اندرکاران محترم سپاسگزار بود. اما نکته‌ی نظر نگارنده را به خود جلب می‌کند که نظرها و پیشنهادها و دستاوردهای این مجمع‌ها باید به عنوان بخشنامه و دستورالعملی اجرایی، تا رسیدن به هدف، دنبال و پیگیری شوند و نتایج آنها در نشست‌های بعد برای ادامه مسیر و شناخت راهکارهای جدید دیگر در این زمینه عرضه گردند و به روشنی معلوم گردد که آیا در فاصله میان دو مجمع در جهت هدف‌ها پیشرفتی حاصل شده است یا نه؟ آنگاه بتوان در ارزیابی آن، راه پیشین را ادامه داد و یا شیوه‌ی نو در پیش گرفت. این مورد در دوره‌های بازآموزی و دانش‌افزایی نیز صادق است. باید به درستی دانسته شود که داوطلبان در چه حدی از معلومات فارسی هستند، تا کلاس‌های مناسب برای آنها ترتیب داده شود و از این رو لازم است که آزمون‌ی مشتمل بر مواد گوناگون درسی از قبیل: تاریخ ادبیات، دستور، متن، نگارش، زبان گفتاری، بلاغت و فنون ادبی، و... از داوطلبان به عمل آید و با توجه به نیازشان کلاس‌های جداگانه و مناسبی برای آنان ترتیب دهند. و در پایان دوره با سنجشی که به عمل می‌آید میزان دریافت آنان از کلاس‌های مزبور را شناخته و کل دوره، از جهت موفقیت و عدم آن، ارزیابی شود. قابل ذکر است که از جهت انتخاب استاد برای تدریس در چنین کلاس‌هایی بایستی دقت لازم به عمل آید. تبخّر لازم در ماده مورد آموزش و تجربه کافی در امر تدریس به خارجیان، دانستن حداقل یک زبان خارجی و آشنایی به زبان بومی و فرهنگ آن کشور، اظهار علاقه و اشتیاق علمی استاد و... باید ملاک انتخاب قرار گیرند. استادان زبان فارسی هم که به عنوان مدرس زبان فارسی به خارج از کشور اعزام می‌شوند لازم است که شرایط لازم را از هر جهت حایز باشند تا بتوانند در مدت مأموریت خود موفق باشند و زمینه‌های گسترش زبان فارسی را در آن کشور در حدّ توان فراهم نمایند.

مشخص شدن مرجعی واحد و صاحب اختیار در ایران جهت بررسی دقیق این امور در جهت نیاز به تشکیل دوره‌های بازآموزی و دانش‌افزایی و انتخاب استادان متخصص و ماهر و کارآمد در این مورد شدیداً احساس می‌شود زیرا در حال حاضر وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت امور خارجه، شورای گسترش زبان فارسی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز آموزش بین‌المللی زبان فارسی و... هرکدام به گونه مستقل عمل می‌کند و چه بسا از این شیوه‌های گوناگون راه‌های افراط و تفریط پیموده شوند و غرض به حاصل نیاید.

نخستین موردی که به نظر می‌رسد این است که باید کشورها را به چند گروه تقسیم‌بندی کرد تا اهداف هرکدام از لحاظ موارد ویژه و چگونگی نیاز آنها به آموزش زبان فارسی و بهره‌گیری از آن مشخص گردد. به عنوان مثال کشورهای شبه قاره هند و پاکستان و بنگلادش هرچند که از نظر موقعیت و اهمیت زبان فارسی در یک طیف قرار می‌گیرند و پیشینه زبان فارسی و نفوذ فرهنگ ایرانی در آنها بر همگان روشن است و کراً در همایش‌های ملی و فراملی به صورت مقاله‌ها و حتی کتاب‌ها ارائه شده و به چاپ رسیده اما به دلایلی می‌توانند در تقسیم‌بندی جزئی‌تری جای گیرند. کشورهای آسیای میانه و قفقاز، چین، ژاپن، ترکیه، کشورهای عربی و کشورهای اروپای شرقی، اسپانیا، فرانسه، انگلیس و... نیز هرکدام با توجه به نوع نیاز خود به آموزش زبان و یا ادبیات فارسی و تشکیل و یا احیای گروه‌های فارسی و مراکز ایران‌شناسی و کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی نیز متغیر و یا اندکی متفاوتند که دانستن آنها راه را برای رسیدن به هدف‌ها هموارتر می‌کند. هرچند که در شبه قاره و تعداد زیادی از کشورها بر جنبه‌های ادبی زبان فارسی و تصحیح متون و تربیت استادان شایسته که در آینده گروه‌های فارسی را اداره و نیروهای لازم را تربیت کنند باید تأکید شود، در سایر کشورها کفّه نیاز به آموزش زبان و تربیت گروه‌هایی برای تصدّی مشاغل حسّاس و ملموس‌تر اجتماعی می‌چربد، مراکز از قبیل رادیو و تلویزیون، رسانه‌های گروهی، سفارتخانه‌ها، امر ترجمه شفاهی و کتبی و گزارش‌نویسی از زبان فارسی و یا به زبان فارسی، فرهنگ‌نویسی مشترک و... هرکدام به فراخور اهداف خود به یک نوع آموزش خاص زبان فارسی نیازمند است.

در شبه قاره هند و پاکستان که قرن‌ها زبان فارسی به عنوان زبان رسمی رایج و از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و فرهنگ آن سامان در کسوت زبان فارسی آشکار شده و چون گنجینه‌های گرانبها به عنوان میراث مشترک ایران و کشورهای همسایه برجای مانده است، پس از استقلال هند و تأسیس کشورهای پاکستان و بنگلادش، موقعیت زبان فارسی و شیوه آموزش آن را در این کشورها تغییر داده است. در پاکستان به دلیل این که زبان اردو زبان ملی و انگلیسی زبان رسمی آنهاست یکسان بودن القبا و رسم الخط و مشترکات زیاد بین فارسی و اردو (جز در موارد جزئی) زمینه تدریس فارسی را برای فارسی آموز و هم استاد بویژه استادان غیربومی فراهم‌تر می‌کند در حالی که در هندوستان وجود زبان‌های محلی مثل هندی، تامیلی، تلگو، مراتی، گجراتی،

بنگالی پنجابی، کراالا، کناری، اریا و غیره (دولت هند حدود ۱۶ زبان هندوستان را به رسمیت شناخته است) و اجباری بودن زبان‌های هندی و انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها موقعیت اظهار وجود زبان اردو را نیز به مخاطره انداخته است. بسیاری از مردم، حتی تحصیل کرده‌ها و مسلمانان هند در عین حال که به زبان اردو تکلم می‌کنند قادر به خواندن و نوشتن آن نیستند و القبای آن را نمی‌شناسند که این امر در حدّ خود یک نوع دشواری برای فارسی‌آموزان و استادان آنها به وجود می‌آورد و باید در برنامه‌ریزی و شیوه تدریس فارسی بدان توجه شود.

بارها شنیده شده است که داوطلبان زبان فارسی در کشورهای شبه قاره به دلیل نگرانی از آینده شغلی خود رغبتی به آموختن فارسی و ادامه تحصیل در آن از خود نشان نمی‌دهند در صورتی که وجود گروه‌های متعدّد فارسی در این کشورها و بازنشسته شدن اجباری استادان در شصت سالگی و وجود موقعیت‌های شغلی دیگر در کتابخانه‌ها و گنجینه‌های نسخ خطی و اسناد فارسی، نمایندگی‌های خارج از کشور، سفارتخانه‌های کشورهای مختلف جهت تصدی منصب‌ها و تسلط یافتن بر فن ترجمه شفاهی و کتبی و غیره می‌توانند انگیزه‌هایی باشند تا داوطلبان به تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی روی آورند. و عدم اطلاع از چنین موارد شاید دلیلی باشد که ارزش و اهمیت این زبان را چنانکه باید نشناسند. از این رو لازم است که استادان بومی و اعزامی با طرح موارد فوق و مانند آنها در جذب دانشجویان بکوشند. و مایه تأسف است که در بسیاری از ایالت‌های هندوستان حتی به اندازه نیاز آینده‌گروه‌های فارسی در تربیت نیروهای کارآمد کوشش نشده است. به عنوان مثال گروه فارسی دانشگاه عثمانیه حیدرآباد اگر اقدام به تربیت و جذب و استخدام استاد فارسی نکند در چند سال آینده اعضای هیأت علمی آن از هفت نفر به دو نفر تقلیل می‌یابد و بیم ادغام آن در گروه‌های دیگر و یا تعطیلی آن می‌رود. از گروه فارسی دانشگاه کراچی پاکستان نیز در ظرف دو سال اخیر حدود سه عضو فعال و باتجربه بازنشسته شده‌اند که به صورت جدی فکری برای پر کردن این خلأ نشده است. به همین قیاس گروه‌های دیگر را در نظر بگیرید که لازم است مجمع و دست‌اندرکاران در این باره فکری اساسی کنند. باید عرض شود که خوشبختانه از طرف وزرات فرهنگ و آموزش عالی و شورای گسترش زبان فارسی برای سال آینده تعدادی بورس دوره فوق لیسانس و دکتری در نظر گرفته شده و هم‌اکنون کار انتخاب دانشجویان مستعد و فراهم آمدن زمینه‌های اعزام آنها به ایران آغاز شده است.

از موارد دیگر در جهت گسترش زبان فارسی در خارج از کشور تغییر سرفصل درس‌ها و انتخاب متن‌های مناسب و هدف داراست زیرا در بسیاری از گروه‌ها قدمت برنامه درسی به بیش از هشتاد سال می‌رسد. این مسأله نیز در بیستمین سمینار استادان فارسی هند که در آبان ۱۳۷۷ در دانشگاه ویشوا بهارتی شانتی نیکتن کلکته برگزار گردید مطرح شد و در میزگردی که تشکیل شده بود به صورت شفاهی در رفع این مشکل موافقت به عمل آمد تا با در نظر گرفتن دروس عمومی برای کلّ شبه قاره و متون مخصوص به هر ایالت متن‌های سودمند انتخاب گردد و به چاپ برسد که تحقق این امر یک نوع یکپارچگی و اشتراک هدف بین تمامی گروه‌های فارسی در هندوستان را به دنبال خواهد داشت. اما تاکنون اقدامی در این باره به عمل نیامده است. لازم است که مقاطع آموزشی فارسی و مواد درسی آنها در این جا آورده شود تا نسبت به رفع کمبودها و انتخاب مواد درسی آنها تدبیری اندیشیده شود.

الف) دیپلما کورس / DIPLOMA COURSE یا گواهینامه فارسی، طول مدت یک سال.

مواد درسی: ۱- آرفا جلد اول ۲- کتاب فارسی سال اول دبستان  
هدف: آموختن الفبای فارسی به داوطلبان، آشنایی آنان با جملات ساده فارسی و ترجمه از انگلیسی به فارسی و بالعکس و مقدار کمی دستور زبان فارسی.  
زبان واسطه: انگلیسی یا اردو.

ب) زبان دوم / SECOND LANGUAGE، طول مدت دو سال.

مواد درسی سال اول: کتاب فارسی برای غیرفارسی زبانان (از ثمینة باغچه بان).  
هدف آموزش: آشنایی دانشجو با الفبای فارسی، جملات کوتاه فارسی، تعدادی از حکایت‌های فارسی، ترجمه جمله‌های ساده فارسی به انگلیسی یا اردو و بالعکس و شرح حال و زندگی برخی از نویسندگان و بزرگان ادب.  
سال دوم: منتخبی از کتاب فارسی و دستور از دکتر خانلری شامل قصه‌ها و متن‌های دیگر، مقداری دستور زبان فارسی، ترجمه جملاتی از فارسی به انگلیسی و اردو و بالعکس، مقدار کمی تاریخ ادبیات.

ج) زبان اختیاری / OPTION LANGUAGE، طول مدت سه سال.

سال اول: کتاب فارسی برای غیرفارسی زبانان از ثمینة باغچه بان، تاریخ ادبیات فارسی دوره سامانی و سلجوقی، مقداری دستور زبان فارسی.

سال دوم: کتاب فارسی و دستور (دکتر خانلری) مشتمل بر نظم و نثر، دستور زبان فارسی، ترجمه.

سال سوم: حکایت‌هایی از بهارستان جامی، گزیده‌یی از گلستان سعدی، دو غزل از حافظ، دو غزل از سعدی، دو غزل از امیرخسرو، دو غزل از غالب، منتخبی از پیام مشرق اقبال لاهوری، مناجات نظامی، دوربای از خیام، تاریخ ادبیات فارسی از دوره غزنویان تا دوره قاجار، ترجمه حکایت‌هایی از بهارستان و گلستان به انگلیسی و اردو و بالعکس. آن دسته از دانشجویان که زبان فارسی را به عنوان زبان اختیاری برمی‌گزینند با گذراندن موادی که ذکر شد، حتی اگر به صورت کامل هم به آنها تدریس شده باشد و دانشجویان خوب آنها را فرا گرفته باشند، سال بعد به دوره فوق لیسانس راه می‌یابند و ادامه تحصیل می‌دهند. حال قضاوت بفرمایید که این دانشجو که مواد درسی را به زبان انگلیسی و یا اردو می‌خواند و ورقه امتحانی را نیز به این زبان‌ها پاسخ می‌دهد و قادر به تکلم فارسی نیست چقدر آمادگی ادامه تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی را دارد!

د) فوق لیسانس: طول مدت دو سال  
سال اول / PREVIOUS. مواد درسی:

- ۱- تاریخ ادبیات ایران از ابتدا تا قاجاریه.
- ۲- نظم و نثر قدیم شامل حکایت‌هایی از انوار سہیلی، چهارمقاله، سیاستنامه، یک قصیده از عرفی، چند رباعی از خیام و سرمد و جامی و ابوسعید، دو غزل از حافظ و سعدی و خسرو.
- ۳- فتون بلاغت شامل (عروض، قافیه، بدیع) و مطالعه اصناف سخن و انشا (داستان‌های دل‌انگیز فارسی از دکتر زهرا خانلری).
- ۴- ادب عرفانی شامل تاریخچه تصوف در ایران و هند و قسمت‌هایی از مثنوی دفتر اول (داستان شاه و کنیزک، طوطی و بازرگان، آمدن رسول قیصر به نزد عمر). و منطق الطیر (وادی اول).

سال دوم: FINAL.

- ۱- تاریخ ادبیات ایران در هند از بابر تا همایون و قسمت دکن.
- ۲- ادبیات معاصر (برگزیده‌یی از کتاب دریای گوهر دکتر مهدی حمیدی شیرازی).
- ۳- تاریخ خط، سکه، نقاشی و هنر در هند و ایران.
- ۴- زبان‌شناسی (دکتر خانلری).

لازم به ذکر است که این سرفصل‌ها از برنامه‌های مصوبی نقل می‌شوند که در سال‌های گذشته برای این دوره‌ها در نظر گرفته شده‌اند. ولی با این همه، استاد چقدر موفق شود این برنامه‌ها را کاملاً به دانشجویان بیاموزد و دانشجویان آنها را خوب بفهمند سخن دیگری است زیرا اغلب دانشجویان سال دوم فوق‌لیسانس حتی قالب‌های شعر فارسی را نمی‌دانند و بیت و مصرع را نمی‌شناسند تا چه رسد به معانی و بیان و عروض و...!

ه) دوره پیش دکتری / M. PHIL، طول مدت یک سال.

- مواد: ۱- روش تحقیق، آیین نگارش، نقد ادبی و تصحیح متون
- ۲- تدوین مقاله‌یی درباره موضوع پایان نامه دوره دکتری.

و) دوره دکتری / Ph. D.

مواد درسی ندارد و دانشجوی این دوره با تنظیم یک رساله اغلب به زبان انگلیسی یا اردو به کسب درجه دکتری نایل می‌شود.

غرض از ذکر این مطالب این است که لازم است که استادان برای هماهنگ نمودن درس‌ها و مواد درسی تمام مقاطع تحصیلی در چارچوب برنامه‌یی دقیق به رفع این دشواری‌ها اهتمام نمایند.

چنانکه می‌دانیم و بارها تکرار شده پیشینه زبان فارسی در شبه قاره بر همگان روشن است که به عنوان زبان رسمی آن سامان برای ثبت و کتابت در تمام شؤون فرهنگی، سیاسی، دینی، ادبی، اقتصادی، هنری به کار می‌رفته است. با این وضع چگونه می‌توان یکی از این موارد را مورد پژوهش قرار داد و به دلیل عدم آشنایی به زبان فارسی از منابع

اصیل و دست اول آن چشم‌پوشی کرد؟ چگونه یک کتابدار بدون آشنایی بلکه عدم تسلط به زبان فارسی در فن خود می‌تواند مهارت داشته باشد زیرا در حال حاضر تنها در کتابخانه مرکزی دانشگاه عثمانیه حیدرآباد هند در حدود هشت هزار جلد کتاب چاپی فارسی و متجاوز از چهارهزار نسخه خطی فارسی وجود دارد که فقط یک نفر آن هم نه در حد کافی نسبت به آنها شناخت دارد، لذا تمام گروه‌های فارسی دانشگاه‌های شبه‌قاره هند باید نسبت به اجباری کردن فارسی در رشته‌هایی از قبیل تاریخ، اردو، اسلام‌شناسی، فلسفه، کتابداری، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، سانسکریت تلاش کنند. چنانکه به پیشنهاد نگارنده و همکاری صمیمانه اعضای هیأت علمی گروه فارسی دانشگاه عثمانیه حیدرآباد کمیته‌یی تشکیل شد و با رأی قاطع این مطلب برای هشت رشته یادشده به تصویب رسید که اگر در کمیته‌های تکمیلی دیگر نیز به تصویب برسد در سال تحصیلی آینده به مرحله اجرا درخواهد آمد و گامی مؤثر در رواج زبان فارسی و سرایت آن به سایر گروه‌های آموزشی خواهد بود.

در اینجا به صورت مختصر و فهرست‌وار پیشنهادهایی در جهت گسترش زبان فارسی خاطر نشان می‌شود:

۱. اعطای مرتب بورس‌های فوق‌لیسانس و دکتری به دانشجویان مستعد و علاقه‌مند تمام کشورها بویژه شبه‌قاره هند و پاکستان با هماهنگی استادان اعزامی.
۲. اعطای بورس‌های کوتاه مدت تشویقی چندماهه به دانشجویان ممتاز و مریبان گروه‌های فارسی خارج از کشور.
۳. تأمین کتاب‌های آموزش فارسی و منابع کمک آموزشی برای دانشجویان و برگزاری مسابقه علمی بین دانشجویان به منظور شناسایی دانشجویان ممتاز و تشویق آنان.

۴. تشکیل پرونده‌هایی از سوابق آموزشی و پژوهشی گروه‌های فارسی خارج از کشور و نیز تک‌تک استادان آن گروه‌ها به منظور نظارت بر فعالیت آموزشی و پژوهشی آنها و کمک به چاپ مقالات و تألیفات ارزنده آنها.

۵. تدوین مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های دوره دکتری زبان فارسی به زبان فارسی و دعوت از استادان ایرانی به منظور راهنمایی یا مشاوره و یا شرکت در جلسات دفاع برای داوری (اضافه می‌نماید که این مورد برای دانشگاه دعوت‌کننده بار مالی نخواهد داشت).



۶. دعوت از استادان فارسی ایرانی جهت انجام مصاحبه از داوطلبان تقاضای استخدام در گروه‌های فارسی خارج از کشور به منظور انتخاب و جذب نیروهای بهتر و کارآمدتر.

۷. تغییر سرفصل‌های درس‌های مقاطع مختلف دانشگاهی به زبان فارسی با تناسب و نوع نیاز هر کشور زیر نظر هیأتی ورزیده و ذیصلاح.

۸. اجباری کردن زبان فارسی برای رشته‌هایی از قبیل تاریخ، اسلام‌شناسی، اردو، فلسفه، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، سانسکریت، کتابداری، و...

۹. اعزام مرتب مدرسان فارسی به خارج از کشور با توجه به حائز بودن ضوابطی از قبیل حداقل داشتن آشنایی به یک زبان خارجی و زبان بومی، داشتن انگیزه و علاقه شخصی به تدریس در خارج از کشور و رونق و اعتلای زبان فارسی.

۱۰. نظارت بر جریان علمی گروه‌های فارسی در خارج از کشور و سنجش علمی دانشجویان و فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای رشد و رونق زبان فارسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی